جنگ ویتنام در عصر داستان

پارسی نژاد، کامران

«داستانهای جنگ همواره به مقوله جنگ و نبرد نمی‏پردازند. همیشه سخنشان درباره انواع بمبها،مانورهای نظامی،انواع‏ سلاحها و تاکتیکهای نظامی نیست و غالبا سربازخانه‏ها و سنگرها را به تصویر در نمی‏آورند...یک داستان جنگ،مثل تمام آثار برتر جهان می‏تواند از قلب انسانها صحبت کند.1»

تیم.ا.برین

جنگ ویتنام،با تمامی عواقب و پیامدهایش تأثیر بسیار عمیقی بر ادبیات جنگ،خاصه ادبیات امریکا گذاشت.نویسندگان‏ و هنرمندان امریکایی در خلال جنگ و پس از آن به تجربیات نابی‏ دست یازیدند،که حتی جنگهای داخلی امریکا و حضور کمرنگ‏ امریکا در جنگ بین‏الملل دوم نیز نتوانست به این میزان تأثیرگذار باشد.در آن دوران،پس از عقب‏نشینی امریکا،روایات و خاطرات‏ فردی بسرعت ثبت گردید.این اطلاعات تمامی از سوی اشخاصی‏ بود که در ویتنام حضور داشتند.خبرنگاران،سربازان پیاده نظام، افسران،پزشکان،به‏عنوان شاهدان عینی به توصیف حوادثی‏ که به عینه رویت کرده بودند پرداختند.«اعزام نیرو»معروف‏ترین‏ کتابی بود که در آن دوران توسط مایکل هیر2منتشر گشت.

نویسندگان این‏گونه آثار که غالبا به جمع‏آوری خاطرات‏ مبادرت ورزیدند،سعی داشتند تا از همان زبان اول شخص‏ برای نقل حوادث استفاده کنند.آنان هنگام تدوین‏ خاطرات شنیده شده آنچنان در قید قهرمان‏پروری‏ و اسطوره‏سازی از سربازان امریکایی نبودند،چراکه‏ تنها به این می‏اندیشیدند که حضور نیروهای اشغال‏گر را در ویتنام توجیه کنند.آنها حتی بر آن نبودند تا روحیه‏ میهن‏پرستی سربازان را درشت‏نمایی کنند.افتخارات‏ بزرگ،رشادتها و سربلندی سربازان پس از تمامی‏ تهاجمها و کشتارها به هیچ عنوان به تصویر در نیامدند.گردآورندگان خاطرات جنگ سعی داشتند تا حوادث اتفاق افتاده در ویتنام را با وقایع جنگ‏ جهانی دوم قیاس کنند تا از این رهگذر حضور نیروهای خود را در ویتنام منطقی نشان دهند.

لازم به ذکر است امریکا هنگامی‏که در جنگ دوم جهانی‏ شرکت کرد با استقبال مردم دیگر کشورهای جهان و امریکا مواجه‏ گشت.در آن دوران از سربازان امریکایی به‏عنوان حامیان آزادی‏ یاد شد.امریکاییها خود از آن جنگ به نام«جنگ پر منفعت»یاد کردند.آنان گمان می‏کردند که نبرد در ویتنام نیز همان شکوه و جلال گذشته را برای امریکا به ارمغان می‏آورد.اما نبرد در ویتنام‏ به‏گونه‏ای دیگر بود.امریکا به محض ورود به خاک ویتنام به‏ عنوان نیروی مهاجم و اشغالگر شناخته شد و خشم مردم جهان‏ خاصه ملت امریکا را بر انگیخت.جنگهای پارتیزانی شکل گرفت. سربازان امریکایی بلافاصله خود را در دامی بس وحشت‏انگیز و سخت یافتند.نا آشنایی با محیط طبیعی ویتنام عامل بسیار مهمی‏ در سردرگرمی نیروهای اشغال‏گر به حساب آمد.جنگ نیز در یک‏ منطقه مشخص روی نداد.بسیاری از سربازان امریکایی یا در دامهایی که ویت کنگ‏ها برایشان تدارک دیده بودند افتاند و به‏ هلاکت رسیدند،یا توسط بمبهای دست‏ساز از میان رفتند.

سربازان امریکایی همچنین قادر به شناسایی ویت کنگ‏ها از سربازان ویتنامی هوادار امریکا در جنوب نبودند.با اوج‏گیری‏ جنگ و دادن تلفات بسیار،اعتراضات مردم امریکا بالا گرفت. مردم از سویی نگران سربازان خود بودند و از سویی با شنیدن‏ کشتار مردم بی‏گناه ویتنام احساس شرمساری می‏کردند.وحشت و ترس رفته‏رفته سربازان متخاصم را فرا گرفت.راویان داستانهای‏ جنگ همواره بر آن بودند تا این ترس خاص را بازگو نمایند. داستانهایی که آنان نقل کردند بسیار تکان‏دهنده بود.طبق نظر آنها هر دو طرف دست به اعمال غیر انسانی زدند و به هیچ عنوان‏ به اسرای خود رحم نکردند.با این‏حال راویان جانب احتیاط را حفظ می‏کردند و در هنگام توصیف خشونتی که امریکاییها نسبت‏ به مردم بی‏گناه روا می‏داشتند هیچ‏گونه واکنشی نشان نمی‏دادند و امریکاییها را مورد سرزنش قرار نمی‏دادند.در غالب این‏گونه آثار، سربازان ساده امریکایی حضوری چشمگیر داشتند و وضعیت آنان‏ بدین‏ترتیب بیان می‏شد:

الف:آنان افرادی بودند که مورد ترحم قرار داشتند.

ب:آنان قربانیان سیاستهای اشتباه فرصت‏طلبان بودند.

ج:آنان در شرایط بسیار بدی قرار داشتند و به هیچ عنوان به‏ خواسته‏های آنان ترتیب اثر داده نمی‏شد.

در همان دوران که بسیاری از سربازان کهنه کار مشغول نقل‏ خاطرات خود بودند،برخی هم بر آن شدند براساس تجربیات‏ شخصی‏ای که به دست آورده و یا با توجه به اطلاعاتی که شاهدان‏ عینی از جنگ ویتنام توصیف کرده بودند به خلق قالبهای ادبی‏ای‏ چون داستان و شعر بپردازند.

لازم به ذکر است ادبیاتی که پس از جنگ ویتنام پدید آمد با سایر گونه‏های ادبیات جنگ تفاوت داشت.پیش از جنگ ویتنام، ادبیات جنگ به ستایش از مبارزه،رشادت،از خودگذشتگی و... می‏پرداخت و از مرگ به‏عنوان یک هدف ایده‏آل و نهایی صحبت‏ می‏کرد.پیش از جنگ ویتنام،هنرمندان و نویسندگان جنگ را تائید می‏کردند و از سربازان به‏عنوان قهرمانان ملی یاد می‏کردند. در صورتی‏که پس از جنگ شرایط کاملا دگرگون شد.در آن برهه‏ از زمان تمامی افرادی که پیش از این جنگ را با مقولاتی چون‏ میهن‏پرستی،ایثار،رشادت و...یکسان می‏دانستند تغییر عقیده‏ دادند،چراکه آنها تازه چهره مخرب و ویران‏گر جنگ را رویت‏ کرده بودند.جدای از این،حضور امریکا در ویتنام به‏عنوان یک‏ اشغالگر نه حامی صلح و آرامش،شناخته شد.امریکا در طی آن‏ سالها نتوانست دلیل موجهی برای عملکرد خود ارائه دهد.ضمن‏ اینکه جنگ ویتنام اولین جنگی بود که آشکارا و به‏طور مستمر از طریق تلویزیون پخش شد.مردم در خانه‏های خود با حقیقت‏ تلخ جنگ و پپامدهای آن آشنا گشتند.بسرعت دریافتند که‏ چهره جنگ با آنچه در ادبیات از آن سخن می‏راند تفاوتهای عمده‏ و اساسی دارد.

Karen joy fowler جنگ با شکوه نبود و جز ویرانی،مرگ، ناامنی،فساد چیز دیگری را به ارمغان‏ نیاورد.در این بین شاعران و نویسندگانی‏ که تحت‏تأثیر ادبیات جنگ ویتنام قرار گرفتند بر آن شدند تا به جنگ از منظر رئالیستی آن توجه کنند.نه آنان و نه‏ مردم دیگر به جنبه‏های کاذب جنگ علاقه و توجهی نشان ندادند. «مایکل کیسی»در مجموعه اشعار خود که در سال 1972 منتشر شد،فضای بسیار تیره و تاری را توصیف کرد.

در غالب داستانهای کوتاهی که درباره جنگ ویتنام نوشته شد اعتراض به ماهیت جنگ،سرلوحه کارها قرار گرفت و به‏عنوان‏ درونمایه اصلی داستانها شناخته شد.داستان«فرانکلین 124» نوشته«کیت ویلهلم»به جنگ ویتنام اختصاص دارد.حوادث این‏ داستان در کشور ویتنام شکل نمی‏گیرد.داستان به تراژدی«مای‏ لی»که طی آن بسیاری از شهروندان ویتنامی به طرز وحشیانه‏ای‏ قتل عام شده بودند مربوط می‏شد.

در این داستان نویسنده به عمد حادثه قتل عام مردم ویتنام را در یکی از شهرهای کوچک امریکا بازآفرینی کرد تا بدین طریق، مخاطبان امریکایی را متوجه عمق فاجعه کند.در داستان فوق، خواننده امریکایی پس از رویت صحنه‏های قتل و خونریزی با قربانیان احساس همدردی می‏کند و ناخواسته به یاد قربانیان‏ ویتنامی می‏افتد.طبق نظر بسیاری از صاحبنظران این بهترین‏ روش برای انتقال دیدگاههای خاص نویسنده به مخاطبان خود بود.

داستان کوتاه«دریاچه پر از اشیاء مصنوعی است»نوشته‏ «کارین جوی فولوور»درباره دختری است که همواره درصدد است تا خاطرات خود را با دوست پسرش که در ویتنام کشته‏ شده مرور کند.

داستان«مهلت قانونی»،نوشته،واینی کارلین درباره دو سرباز امریکایی است که برغم داشتن همسر برای اعطای صلح و آرامش‏ به مردم ویتنام راهی آن دیار می‏شوند.

نکته بسیار مهم این است که میزان خاطرات و سرگذشت‏ نامه‏های توصیف شده در جنگ ویتنام به مراتب بیشتر از خاطرات‏ ثبت شده جنگ بین‏الملل دوم است.دلیل این امر روشن است. سربازان و شاهدان عینی در جنگ جهانی دوم پس از پایان نبرد آنچنان خود را ملزم به بازگو کردن خاطرات جنگ ندیدند.آن‏ گروه از شاهدان جنگ هم که به توصیف حوادث پرداختند بیشتر به دلایل شخصی یا زنده نگاه داشتند خاطرات ارزشمند خود اقدام‏ به این کار کردند.آنان به‏عنوان قهرمان جنگ به کشورهای خود باز می‏گشتند و آنچنان نیازمند توجیه اعمال خود نبودند؛حتی اگر تعداد بی‏شماری انسان را شخصا از پای درآورده بودند.درحالی‏ که سربازان امریکایی در ویتنام با احساس شرم و گناه به کشور خود بازگشتند.در آن دوران مردم از آنها استقبال خوبی نکردند.از این‏رو آنان برای اثبات حقانیت خود برآن شدند تا خاطرات جنگ‏ را از منظر خود توصیف کنند تا شاید در این رهگذر بتوانند اعتماد عمومی را به خود جلب کنند.

به‏طور کلی می‏توان مدعی بود که ادبیات جنگ ویتنام بیشتر از نوع ادبیات ضد جنگ قلمداد می‏شود.در میان آثار خلق شده جنگی، داستانهای«تیم.ا.برین»بیش‏از سایر آثار مورد توجه همگان‏ قرار گرفت.رمان«به دنبال کاسیاتو رفتن»توانست در سال 1979 برنده جایزه ملی کتاب گردد.در داستان فوق سربازی به‏طور ساده‏ انگارانه‏ای تصمیم می‏گیرد به کشور خود باز گردد و صحنه جنگ‏ را ترک کند.از دیگر آثار برین می‏توان به رمان«چیزهایی که آنها حمل می‏کردند»اشاره داشت که در سال 1990 منتشر شد.این‏ رمان،تلفیقی از جنگ و حقیقت بود.راوی در داستان فوق دارای‏ ذهنیتی جستجوگر بود و حوداث داستانی،هم به وقایع ویتنام‏ مرتبط می‏گشت و هم به وقایع قبل و بعد از جنگ.

نویسنده جدای مسائل مطروحه همچنین به مقوله دوست‏ داشتن در کنار جنگ و نبرد توجه داشته و با کنار هم قرار دادن‏ این دو مقوله به قیاس پرداخته است.برین در این اثر بر آن بود تا احساس خواننده را برانگیزد تا آنان جدای از تعقل برای درک‏ عمیق‏تر فجایع از قدرت حس و احساس خود نیز بهره بگیرند.او مضمون عشق و جنگ را در سایر آثارش همچنان حفظ کرد.

از دیگر نویسندگان مطرح جنگ ویتنام می‏توان به‏ «لاری هینی من»اشاره داشت.رمان«پاکو»ی او توانست جایزه کتاب ملی را در سال 1987 از آن خود سازد.

رمان«تمرکز در سبز»،نوشته استیفین رایت در سال 1983 راهی بازار کتاب شد.نویسنده از سبک‏ سورئالیستی برای توصیف زندگی قهرمانی که توانایی‏ ترک جبهه‏های جنگ ویتنام را ندارد استفاده کرده‏ است.

ادبیات داستانی توانست به بهترین نحو بازگو کننده ماجراهای رخ داده در ویتنام باشد.در این راستا،میزان‏ بالای تأثیرگذاری داستان بیش‏از سایر انواع ادبی چون شعر برآورد شد.با این حال معدود شاعرانی هم بودند که برآن شدند تا شعر جنگ را تجربه کنند.در سال 1988،یوسف کومان یوکا با خلق‏ مجموعه اشعار خود توانست برنده جایزه پولیتزر گردد.

سؤالی که در آن‏زمان برای همه هنرمندان و نویسندگان‏ مطرح بود این بود که چگونه یک انسان هنرمند و با احساس قادر است چنین بی‏رحمیها و شقاوتهایی را توصیف کند؟در این راستا، کورت و ونه‏گات در رمان خود چنین می‏گوید:«نوشتن درباره‏ جنگ و قتل عام نیازمند هوش و استعداد نیست.»به همین دلیل‏ داستان جنگ او بسیار کوتاه اما جنجال برانگیز بود.نویسندگان‏ دیگری هم با این مسئله مواجه بودند.آنها تمایلی به بازگو کردن‏ صحنه‏های دلخراش نبودند،از این‏رو به قالبی روی آوردند که در نظر خواننده بسیار مبهم و گیج‏کننده بود.آنان در توصیف ماجرای‏ جنگ ویتنام بیشتر به عناصر ناهمگون و نامتجانس روی آوردند تا در این رهگذر از توصیف مستقیم کشتارهای دسته جمعی و جنایات روی داده پرهیز کنند.

لوید لوئیس،منتقد ادبی،براین باور است که نویسنده‏ داستانهای جنگ موظف به یکسان‏سازی ساختار داستان با عناصر غیرمنطقی و حوادث دلخراش جنگ است.او معتقد است که‏ خواننده می‏بایست از طریق رمان،زندگی سربازی را تجربه کند و در یک جهان ناشناخته سرگردان باشد.ناتوانی نویسندگان در ایجاد رابطه حسی با شخصیتهایی که براحتی قادر به کشتن افراد بی‏گناه هستند باعث شد تا داستانهای جنگ ویتنام مملو از حوادث‏ ظاهری و سطحی گردد.در این قبیل آثار،نویسندگان به موشکافی‏ رویدادها و مکنونات درونی شخصیتها روی نیاوردند و در عوض بر آن شدند تا روزهای یکنواخت و خسته‏کننده جنگ و پشت جبهه‏ها را به‏طور مستمر توصیف کنند.آنان همچنین برای ایجاد جذابیت‏ بیشتر ناخواسته به شوخیهایی که سربازان برای رفع خستگی‏ و تجدید قوا با یکدیگر می‏کردند پرداختند و آنچنان در این امر زیاده‏روی کردند که نتیجه معکوس به همراه داشت.جدای از این،برای پرکردن فضاهای خالی داستان،شخصیتهای داستانی‏ به اجبار مجبور بودند به گفتگوهای طولانی و بی مورد مشغول‏ Wayane Karlin امریکا هنگامی‏که‏ در جنگ‏ دوم جهانی‏ شرکت کرد با استقبال‏ مردم دیگر کشورهای‏ جهان و امریکا مواجه‏ گشت.در آن دوران‏ از سربازان‏ امریکایی‏ به‏عنوان‏ حامیان‏ آزادی‏ یاد شد. امریکاییها خود از آن‏ جنگ به‏ نام«جنگ‏ پر منفعت» یاد کردند.

tim obrien پیش‏ از جنگ‏ ویتنام، هنرمندان و نویسندگان‏ جنگ‏ را تائید می‏کردند و از سربازان‏ به‏عنوان‏ قهرمانان‏ ملی یاد می‏کردند. در صورتی‏ که پس‏ از جنگ‏ شرایط کاملا دگرگون‏ شد.

باشند.برخی از نویسندگان جدای از طرح‏ مسائل مطروحه به موهوم‏پرستیها و خرافات‏ میان سربازان روی آوردند و با چنین شگردی‏ خواستند خود را از آوردگاه عظیم داستان جنگ‏ برهانند.توجه به انجام فرایض دینی،دعاها و گفتگوهای شخصی افراد با خداوند از جمله‏ روشهایی بود که به نویسندگان برای پوشش‏ خلاءهای داستانی کمک می‏کرد.از جانب‏ دیگر،نویسندگان برای تحکیم بیشتر طرح‏ داستان خود،اقدام به طرح سئوالات کلی در زمینه‏های تاریخی‏ کردند.خالقان آثار در پاسخ به انتقادات منتقدین مدعی هستند که‏ آنان قادر به درک جنگ و فضای حاکم بر آن نیستند.

جیمز،سی،ویلسون چنین بیان می‏کند که اغلب رمان‏نویسان‏ امریکایی در آثار خود براین مسئله پافشاری دارند که هیچ‏کس‏ قادر به درک جنگ در ویتنام نیست.ویلسن معتقد است که طرح‏ چنین نگرشی تماما به نفع سیاستمداران و حاکمان قدرتی است‏ که مسبب اصلی جنگ بودند.آنان برای پوشیده ماندن اسرار جنگ‏ بیشتر دوست دارند تا داستانهای مطرح شده جنگی همچنان مبهم‏ و گنگ باقی بمانند.

باید به این مسئله توجه داشت که ادبیات جنگ ویتنام از دیرباز موردبررسی و تحلیل قرار داشته و همچنان دارد.و از آنجاکه‏ مضامین اصلی اینگونه آثار بیشتر به درگیریها و نزاعها اختصاص‏ دارد،دایره نقد آثار نیز حول محور هرج‏ومرجها و اختلافات‏ فرهنگی،تاریخی،اجتماعی دو ملت متخاصم می‏گردد و آنچنان به‏ ریشه‏یابی و طرح مسائل پیچیده و دست نیافتنی توجهی نمی‏کند. درواقع در میان کلام منتقدین داستانها و اشعار جنگ ویتنام به‏ مسائل قابل توجه و مهمی نمی‏توان دست یافت.

و اما درباره منتقدین فمنیست باید اذعان داشت که آنان مدعی‏ هستند که تمامی آثار جنگ ویتنامی مختص مردان است و در آنها به موقعیت زنان و نقشی که آنان در طول جنگ ویران‏گر بازی کردند توجهی نشده است.طبق‏نظر آنها،در داستانهای‏ جنگ مردان،تنها قربانیان جنگ قلمداد می‏شوند و زنان حضوری‏ کمرنگ و منفعلانه دارند.

به این ترتیب در بسیاری از آثار جنگ،عنصر زن تنها به‏عنوان‏ عاملی برای توصیف صحنه‏هایی که در آن از زنان ویت کنگ هتک‏ حرمت شده مورد استفاده قرار گرفته است.وجود چنین صحنه‏هایی‏ در این قبیل آثار طبیعی است،چراکه سربازان امریکایی در کمال‏ قساوت به نوامیس مردم هجوم برده و درپی آن به کشتار زنان‏ مبادرت می‏ورزیدند،اما سئوالی که برای منتقدین فمنیست مطرح‏ شده این است که آیا زنان تنها در چنین صحنه‏هایی می‏بایست‏ حاضر شوند؟آیا این زنان مبارز ویت کنگ نبودند که عرصه را بر سربازان امریکایی تنگ کرده و دوش‏به‏دوش مردان جنگیدند و کشته دادند؟

این درحالی بود که زنان امریکایی در خانه‏ها خود در کمال‏ آرامش زندگی می‏کردند و معدودی از آنها نگران عزیزان خود بودند.آنان حتی به‏درستی نمی‏دانستند که مردانشان در صحنه‏ جنگ چگونه عمل کرده‏اند و آیا دست به جنایتهای فجیع زده‏اند یا خیر؟

ظاهرا برخی از راویان و نویسندگان معاصری که تمایل به خلق‏ آثاری در ارتباط با جنگ ویتنام دارند درصدد هستند تا ناگفته‏های‏ جنگ ویتنام را کشف و مطرح سازند.از جمله آثار مطرحی که‏ بتازگی در ارتباط با جنگ ویتنام خلق شده،رمانی است از نویسنده‏ مشهور و صاحب نام،بابی آن‏میسن.میسن در رمان«داخل‏ کشور»راوی داستان را واداشته تا به دنبال دختر هفده ساله‏ای به‏ راه افتد تا ناگفته‏های جنگ را کشف کند.در این اثر،سامانتا هیوج‏ درصدد است تا درباره جنگ ویتنام و علت کشته شدن پدرش به‏ تفحص بپردازد.

میسن همچنین جنگ ویتنام را از منظر جوانانی که در آن‏ سالها کودک بودند یا به دنیا نیامده بودند بررسی کرده است و سئوالات مهم و کلیدی‏ای را درباره نتیجه جنگ و علت حضور امریکا در سرزمین بیگانه مطرح می‏سازد.

طبق نظر برخی از منتقدین تحلیل ادبیات جنگ،زمانی به‏ درستی صورت می‏پذیرد که آثار نویسندگان جبهه مخالف یعنی‏ ویتنامیها هم مورد ارزیابی دقیق قرار گیرد.نویسندگان ویتنامی نیز در خلق داستانهای جنگ کوتاهی نکردند.برخی از آثار این دست‏ از نویسندگان حتی در امریکا منتشر شد.همچون رمان«افسوس‏ برای جنگ»که توسط نینه در سال 1995 خلق و بلافاصله به زبان‏ انگلیسی ترجمه شد.

با تمامی این تفاسیر،ادبیات جنگ ویتنام توانست جایگاه‏ مناسبی در وادی ادبیات معاصر جهان برای خود پیدا کند.به‏ قول تیم.ا.برین این همان ادبیاتی است که با قلب انسانها سر و کار دارد.